



بخش حقوق

ضرورت تهیه و تدوین نظام حقوقی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری

بی‌توجهی به تأسیس شورای مطبوعات در ایران

بخش آخر

دکتر کاظم معتمدنژاد

سومین و آخرین بخش از طرح توجیهی «ضرورت تهیه و تدوین نظام حقوقی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در ایران» را پیش‌روی دارید. در دو بخش گذشته که در شماره‌های ۴۲ و ۴۳ رسانه به چاپ رسید. ضرورت، تجربیات و مقررات مربوط به نظام مذکور مورد بحث قرار گرفت و به جایگاه آن در تعدادی از کشورهای غربی، در حال توسعه و اسلامی اشاره شد. همچنین در مورد مقررات تأسیس و نقش شورای مطبوعات توضیح داده شد و در آخرین بخش که هم اینک از نظرمان می‌گذرد، زمینه‌های بی‌توجهی نسبت به آن و ضرورت تأسیس شورای مطبوعات در شرایط خاص امروز کشور مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

رسانه امیدوار است این مباحث بتواند زمینه‌های ذهنی، روانی و حقوقی لازم برای تحکیم پست‌وانه‌های توسعه مطبوعات را فراهم آورد.

در ایران، متأسفانه تحت تأثیر شرایط تاریخی نامساعد حاکم بر مطبوعات کشور، نه تنها در طول حدود یک قرن سابقه تأسیس و فعالیت شوراهای مطبوعاتی در کشورهای غربی و غیرغربی، به ایجاد این گونه شوراهای که هدف اصلی آن‌ها، حمایت از آزادی و استقلال مطبوعات و حراست از اجرای اصول اخلاقی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است؛ توجه لازم معطوف نگردیده است، بلکه در جهت عکس آن، به تشکیل و فعالیت شوراها و کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی به منظور پیشگیری از توسعه مطبوعات آزاد و مستقل و انتقادگر و کنترل و نظارت بر تأسیس و عملکرد نشریات سازگار و موافق وضع موجود، پرداخته شده است.

بررسی سیر تاریخی نهادهای دولتی کنترل و نظارت بر مطبوعات ایران، در مقایسه با چگونگی گسترش و پیشرفت مداوم نهادهای مشارکتی و روزنامه‌نگاران و مسدیران مطبوعات و نمایندگان افکار عمومی کشورهای دیگر برای تقویت

و تحکیم آزادی و استقلال و اخلاق‌گرایی مطبوعات در قالب شوراهای یادشده - که در صفحات پیش مورد مطالعه قرار گرفت - می‌تواند تأمل‌انگیز واقع شود.

- در دوره بعد از انقلاب مشروطیت و با وجود اعلام اصل آزادی مطبوعات در نخستین قانون اساسی ایران و متمم آن و همچنین طرد ضرورت کسب اجازه قبلی از دولت در اولین قانون مطبوعات کشور (مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ ق) برای تأسیس و انتشار نشریات دوره‌ای و اکتفا به ارسال اعلام‌نامه در این زمینه، به دنبال کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، براساس بند ۱۱ ماده ۱۲ «قانون شورای عالی معارف» مصوب ۲۰ حوت ۱۳۰۰، «تشخیص صلاحیت اشخاصی که ... امتیاز مجله و روزنامه می‌خواهند»، از وظایف این شورا شناخته شده بود.

- در دوره پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط دیکتاتوری رضاشاه، به موجب «قانون اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات» مصوب سوم دی ماه ۱۳۲۱، مقرر گردید، «... از تاریخ تصویب این قانون، کسانی می‌توانند صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باشند که ... صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی، شورای عالی فرهنگ... تصدیق نماید». مطابق ماده ۳ قانون یادشده، شورای عالی فرهنگ مأمور تنظیم آیین‌نامه مربوط به تصدیق صلاحیت روزنامه‌نگاران برای کسب امتیاز و مدیری و سردبیری مطبوعات شده بود. به همین جهت در آیین‌نامه موردنظر، که در ۴ دی ماه آن سال از طرف شورای مذکور تهیه گردید، به موجب ماده ۲ آن، تشخیص شایستگی اخلاقی و معلومات و توانایی مالی تقاضاکنندگان، به عهده یک هیأت رسیدگی، مرکب از رئیس اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، دو تن از کارمندان شورای عالی فرهنگ، یک نفر از استادان دانشگاه و رئیس یا نماینده اداره کل تبلیغات و انتشارات، واگذار شده بود.

- در لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۳۱، که در دوره حکومت دکتر محمد مصدق تدوین و تصویب گردیده بود نیز بر طبق ماده ۵ آن، «رسیدگی به درخواست‌های تأسیس روزنامه یا مجله»، به جای شورای عالی فرهنگ به هیأتی مرکب از مدیرکل وزارت کشور، رئیس اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نماینده او سپرده شده بود.

- به موجب لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۰ مردادماه ۱۳۳۴، که در دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با اقتباس از لایحه قانونی مطبوعات قبلی و برخی اصلاحات و تغییرات در آن تدوین گردیده بود، نام هیأت یادشده در ماده ۵ آن لایحه قانونی، در ماده ۵ لایحه قانونی اخیر، به کمیسیون تبدیل شده بود. اعضای این کمیسیون، شامل نماینده عالی‌رتبه وزارت کشور، نماینده عالی رتبه وزارت فرهنگ، دادستان استان تهران، یک استاد دانشگاه و یک روزنامه‌نگار به انتخاب وزارت کشور بودند.

در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تحت تأثیر میراث تاریخی نامطلوب گذشته، همان شیوه‌های پیشین برای کنترل و نظارت دولت بر مطبوعات و ضرورت تأیید قبلی صلاحیت متقاضیان تأسیس و انتشار نشریات دوره‌ای، ادامه یافت:

- براساس ماده ۴ لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب (۲۰ مردادماه ۱۳۵۸)، رسیدگی به درخواست صدور پروانه انتشار و صلاحیت متقاضی تأسیس نشریه دوره‌ای، به کمیسیون هفت نفری، مرکب از نماینده ناشران مطبوعات، نماینده نویسندگان مطبوعات، یکی از مستشاران دیوان عالی کشور، یکی از استادان دانشگاه تهران، یکی از استادان حوزه علمیه قم، یکی از وکلای پایه یک دادگستری و معاون یا مدیرکل مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی، واگذار شده بود.

- بالاخره در قانون مصوب مجلس

شورای اسلامی در ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۴، به جای کمیسیون مورد پیش‌بینی در لایحه قانونی مطبوعات پیشین، که صفت خاصی برای آن در نظر گرفته نشده بود، مطابق مواد ۱۱ و ۱۰ این قانون، یک هیأت نظارت بر مطبوعات، مرکب از پنج عضو، شامل یکی از قضات دیوان عالی کشور، وزیر ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یکی از استادان دانشگاه و یکی از مدیران مسؤول مطبوعات، پیش‌بینی گردید.

ممکن است از هم نامی شوراهای مربوط به اطلاعات یا اطلاع‌رسانی در ایران یا شوراهای اطلاعاتی برخی کشورهای دیگر، مانند «شورای عالی اطلاعاتی الجزایر ناشی شود» شناخت ماهیت اصلی آنها ضروری است.

– «شورای عالی اطلاعات و جهانگردی که اساسنامه آن بر مبنای ماده ۳ قانون تأسیس وزارت اطلاعات و جهانگردی (مصوب تیرماه ۱۳۵۳)، در خردادماه ۱۳۵۴ به تصویب مجلسین رسیده بود، مطابق ماده یک این اساسنامه

سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران) و «۸ نفر از افراد بصیر و مطلع و علاقه‌مند به امور اطلاعات و جهانگردی به انتخاب وزیر اطلاعات و جهانگردی»، بود.

عضویت در شورای مذکور، بر طبق ماده ۴ اساسنامه، افتخاری بود و غیر از اعضای که شرکت ایشان در شورای عالی به اقتضای مقامشان بود، دوره خدمت سایر اعضا سه سال از تاریخ انتخاب، در نظر گرفته شده بود و تعیین مجدد اعضا نیز بلامانع بود.

– وظایف شورای یادشده در زمینه اطلاعات، مطابق ماده ۶ اساسنامه، تعیین و ترسیم خطوط اصلی سیاست اطلاعاتی...، نظارت بر اجرای مصوبات و سیاست‌های ابلاغ شده به دستگاه‌های اجرایی و اتخاذ نظر نسبت به سایر مسائلی که به دلیل ضرورت‌های خاص از طرف وزیر اطلاعات و جهانگردی پیشنهاد و جهت بررسی در دستور جلسات منظور می‌شدند را در بر می‌گرفتند.

به این‌گونه، شاید بتوان گفت که شورای عالی اطلاعات و جهانگردی ایران در دوره پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با «شورای عالی اطلاعات عربستان سعودی» (تأسیس شده در ژانویه ۱۹۷۷) و «شورای عالی ارتباطات تونس» (تأسیس شده در ژانویه ۱۹۸۹)، که بیشتر جنبه‌های تشریفاتی و مشورتی دارند، مشابهت داشت.

– شورای عالی اطلاع‌رسانی که در دوره پس از انقلاب اسلامی، بر اساس آیین‌نامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسات مورخ ۲۵ فروردین و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۷ شورای اخیر تأسیس شده است، نیز می‌تواند از لحاظ نام یا عنوان، با شوراهای عالی اطلاعات (و جهانگردی) قبلی مشابه تصور شود. باید یادآوری کرد که در دوره بعد از انقلاب اسلامی و از زمان تشکیل وزارت جدید اطلاعات، که مسؤلیت امور امنیتی و اطلاعاتی کشور را به عهده دارد و

■ **متأسفانه به دلیل شرایط تاریخی نامساعد حاکم بر مطبوعات کشور در دهه‌های گذشته نه تنها برای ایجاد شورای مطبوعات توجه لازم صورت نپذیرفته بلکه در جهت خلاف آن با تشکیل شوراهای کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی، از توسعه مطبوعات پیشگیری شده است.**

■ **مطابق ماده ۳ قانون مصوب سوم دی‌ماه سال ۱۳۲۱، شورای عالی فرهنگ مأمور تنظیم آیین‌نامه مربوط به تصدیق صلاحیت روزنامه‌نگاران برای کسب امتیاز و مدیری و سردبیری مطبوعات شده بود.**

■ **به موجب آیین‌نامه مصوب ۴ دی‌ماه سال ۱۳۲۱ شورای عالی فرهنگ تشخیص شایستگی اخلاقی و مطبوعاتی و توانایی مالی نقاضاکنندگان چاپ نشریات به عهده یک هیأت رسیدگی مرکب از رئیس اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، دو تن از کارمندان شورای عالی فرهنگ، یک نفر از استادان دانشگاه و رئیس یا نماینده اداره کل تبلیغات و انتشارات، واگذار شده بود.**

به منظور تعیین و ترسیم سیاست اطلاعاتی و جهانگردی کشور و نظارت بر اجرای سیاست مذکور... تشکیل شده بود.

این شورا، به موجب ماده ۲ اساسنامه آن، دارای ۱۵ عضو، مرکب از ۷ تن از مقامات دولتی (شامل وزیر اطلاعات و جهانگردی، وزیر فرهنگ و هنر، وزیر مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری ایران و مدیرعامل

باید در نظر داشت که شوراهایی هم که بدون توجه به زمینه خاص مطبوعات و در زمینه عام اطلاعات یا اطلاع‌رسانی، در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران تأسیس شده‌اند، به سبب آن که هدف‌هایی غیر از هدف‌های موردنظر در شوراهای مطبوعاتی، رسانه‌ای و اطلاعاتی یا ارتباطی کشورهای دیگر، به ترتیب بررسی شده در صفحات پیش را دنبال می‌کنند، نمی‌توانند خلاء شوراهای اخیر را از میان بردارند. به همین لحاظ، برای جلوگیری از ایجاد شبهه احتمالی که

به موازات رایج شدن واژه «اطلاع‌رسانی» به جای واژه‌های آگاهی‌دهی، خبرگزاری و گزارشگری خبری معمول در روزنامه‌نگاری، کاربرد این واژه وضع مبهمی پیدا کرده است. به این صورت که اکنون در ایران از یک سو، برای مشتبه نشدن نام وزارت اطلاعات کنونی با وزارت اطلاعات دوره رژیم سابق، که به ویژه، مأمور کنترل و نظارت مطبوعات بود و در آخرین سال‌های عمر این رژیم، با عنوان وزارت اطلاعات و جهانگردی معرفی می‌شد. به جای واژه نسبتاً قدیمی «اطلاعات»^۱ که از دوره پس از جنگ جهانی دوم، برای اطلاق بر محتوای مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی در کشورهای غربی و مخصوصاً سازمان

مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی دیگر نیز از واژه «اطلاع‌رسانی» استفاده می‌گردد. در حالی که در دهه‌های اخیر، واژه فارسی اطلاع‌رسانی، نخستین بار از طرف متخصصان کتابداری و مراکز اسناد و اطلاعات ایران، در برابر یک ترکیب خاص انگلیسی که ترجمه تحت‌اللفظی آن، «علم اطلاعات»^۲ است به کار گرفته شده است و این کاربرد همچنان ادامه دارد. استفاده از واژه «اطلاع‌رسانی» در معرفی شبکه‌های اطلاعاتی مبتنی بر تکنولوژی‌های انفورماتیک و تله‌ماتیک و نام بردن از این شبکه‌ها، به عنوان «شبکه‌های اطلاع‌رسانی» نیز مؤید پیروی از ترجمه متخصصان کتابداری و مراکز اسناد و اطلاعات در این زمینه است.

در زمینه تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی اطلاع‌رسانی در قالب نظام اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی ایران، شورای اطلاع‌رسانی، تشکیل می‌شود» (ماده یک آیین‌نامه).

– «سیاست‌گذاری در امر اطلاع‌رسانی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام در امر اطلاع‌رسانی و با توجه کامل به مصالح دینی، علمی، فرهنگی و اخلاقی نظام، انجام خواهد یافت.» (ماده ۲ آیین‌نامه).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عدم ارائه تعریف دقیق «اطلاع‌رسانی» در ماده یک مذکور در فوق و تنها نام بردن از «امر اطلاع‌رسانی» و مبتنی ساختن تحقیقات عالی اطلاع‌رسانی بر این امر، باعث ابهام و پیچیدگی شناخت هدف‌های تأسیس شورا شده است و تکرار پیاپی همین ترکیب در ماده ۲ آیین‌نامه هم بر این ابهام و پیچیدگی افزوده است.

این شورا، براساس ماده ۳ آیین‌نامه، تحت ریاست رئیس‌جمهور قرار دارد و اعضای آن، علاوه بر رئیس‌جمهور، ۱۵ نفر شامل وزیر فرهنگ و آموزش عالی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری کنونی)، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر پست و تلگراف و تلفن، وزیر بهداشت و درمان، آموزش پزشکی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر بازرگانی، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس سازمان برنامه و بودجه (ادغام شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کنونی)، رئیس سازمان اموراداری و استخدامی کشور (ادغام شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کنونی)، رئیس کتابخانه ملی، رئیس مؤسسه استاندارد، یک نفر از علمای حوزوی با معرفی شورای مدیریت حوزه علمیه قم و حداکثر سه نفر از متخصصان اطلاع‌رسانی و حکم رئیس‌جمهور و از جمله آنان یک نفر از حوزه علمیه، هستند (ماده ۴ آیین‌نامه) وظایف شورای عالی اطلاع‌رسانی، مطابق ماده ۵ آیین‌نامه به ترتیب زیر مشخص شده‌اند:

■ به موجب لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۰ مردادماه ۱۳۳۴، نام هیأت رسیدگی به کمیسیون تبدیل شد و اعضای کمیسیون شامل نماینده عالی‌رتبه وزارت کشور، نماینده عالی‌رتبه وزارت فرهنگ، دادستان استان تهران، یک استاد دانشگاه و یک روزنامه‌نگار به انتخاب وزارت کشور بودند.

ملل متحد به کار گرفته می‌شود و بهترین نمونه آن، نام بردن از آزادی اطلاعات، به عنوان مکمل آزادی مطبوعات و در برگیرنده آزادی عام تمام ارتباطات جمعی به شمار می‌رود و نام‌گذاری وزارتخانه‌های مسوول امور مطبوعات و رادیو و تلویزیون در اغلب کشورهای جهانی نیز به همین لحاظ صورت گرفته است واژه «اطلاع‌رسانی» استعمال می‌گردد. به گونه‌ای که از کنفرانس‌ها و اجلاس‌های وزرای اطلاعات کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، به عنوان کنفرانس‌ها و اجلاس‌های وزرای اطلاع‌رسانی این کشورها نام برده می‌شود و از سوی دیگر، همان‌طور که یادآور شد، برای معرفی نقش‌ها و وظایف خبری و اطلاعاتی

بنابراین، تا زمانی که ابهام‌های یادشده در مورد واژه «اطلاع‌رسانی» برطرف نشده‌اند، شناخت هدف‌ها و وظایف و اختیارات «شورای عالی اطلاع‌رسانی» مخصوصاً به سبب آن که تعریف دقیق واژه «اطلاع‌رسانی» در آیین‌نامه مربوط به آن ارائه نشده است، نیز می‌تواند با ابهام روبرو باشد.

باید یادآور شد که برای معرفی هدف‌های تأسیس «شورای عالی اطلاع‌رسانی» در مواد یک و دو آیین‌نامه مذکور، عبارات زیر بیان شده‌اند:

– «به منظور سیاست‌گذاری در امر اطلاع‌رسانی و هدایت شبکه‌ها و مراکز اطلاعاتی و هماهنگی فعالیت آنها و تدوین برنامه‌های میان مدت و بلندمدت

۱. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و حمایت در زمینه تولید، پالایش و مبادله اطلاعات و نظارت برای اطلاع‌رسانی سراسر کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام.

۲. تدوین و تصویب اصول نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور.

۳. ایجاد شرایط لازم برای تسهیل و تسریع تولید، ذخیره‌سازی، ساماندهی، توزیع، گسترش و به‌کارگیری اطلاعات در بخش‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فنی، آموزشی، پژوهشی و... در چارچوب ضوابط مصوب.

۸. بررسی وضعیت موجود و آینده‌نگری با استفاده از روش‌های علمی و پژوهشی.

۹. ایجاد زمینه‌های لازم برای اعتلای دانش و فرهنگ عمومی جامعه در زمینه اطلاع‌رسانی.

۱۰. ارزیابی فعالیت‌های بخش‌های اصلی اطلاع‌رسانی، به منظور حصول اطمینان از صحت انطباق فعالیت‌ها با نظام جامع اطلاع‌رسانی.

۱۱. داوری نهایی درباره فعالیت‌های اصلی مرکز اطلاع‌رسانی جهت رفع اختلاف‌های احتمالی مراکز در موارد غیر قضایی.

به موجب ماده ۹ آیین‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی، که آخرین ماده آن به‌شمار می‌رود، «کلیه مراکز اطلاع‌رسانی موظفند با شورای عالی اطلاع‌رسانی و دبیرخانه آن در تمامی زمینه‌های مربوط به وظایف شورا، همکاری کنند و اطلاعات لازم را به موقع در اختیار شورا و دبیرخانه آن قرار دهند. مصوبات شورا نیز در چارچوب وظایف آن، برای این مراکز و تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، لازم‌الاجرا است».

هر چند که بررسی آیین‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی، در این مبحث تنها به مناسبت مشابهت اسمی آن با برخی از شوراها و اطلاعاتی همسان با شوراها، مطبوعات در بعضی از کشورهای جهان، طرف توجه قرار گرفته است و مجموعه هدف‌ها و اختیارات و وظایف آن و آنچه برای شوراها و مطبوعات مطرح است، انطباق ندارد، در عین حال به سبب اهمیت تشکیل این شورا در پیشرفت و گسترش اطلاعات و ارتباطات کشور و کمک به تحول و توسعه مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی، باید از پیشبرد هدف‌ها و نقش‌های مهم مملکتی آن، استقبال کرد و به آن کمک نمود.

به همین لحاظ یادآوری برخی ایرادهای مربوط به آیین‌نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی و از جمله، عدم تعریف «اطلاع‌رسانی» که در بالا به آن اشاره شد، کثرت مسؤولیت‌ها و تمام وقت نبودن اعضای بلندپایه شورا و تشکیل جلسات پرفاصله و دو ماهانه آن، عدم پیش‌بینی شخصیت حقوقی مستقل و بودجه مالی شورا و یا وابستگی اداری و مالی آن به نهاد ریاست‌جمهوری و یا یکی از وزارتخانه‌های مربوط مانند وزارت پست و تلگراف و تلفن، عدم عضویت رئیس شورای عالی انفورماتیک کشور و یا نماینده آن در شورای عالی اطلاع‌رسانی و نامشخص ماندن روابط و همکاری‌های دو شورای اخیر با یکدیگر و عدم پیش‌بینی مناسبات و همکاری‌های آینده

■ **عدم توجه به تأسیس شورای مطبوعات در ایران، به‌طور کلی از شرایط تاریخی، محدودیت‌های آزادی مطبوعات و عدم استقلال روزنامه‌نگاران ناشی شده است.**

■ **در طول چندین دهه فعالیت شوراها و رسانه‌های ارتباطی در جهان متأسفانه به سبب عدم امکان تحقق این شورا در ایران، حتی توفیق ارائه مقاله‌ای در این زمینه نیز به دست نیامده است.**

■ **شاید برای اولین بار امکان بحث و بررسی نقش شورای مطبوعات در ایران، آن هم به صورت مختصر، در جریان برگزاری «نخستین سمینار بررسی مطبوعات ایران» در اسفندماه ۱۳۶۹ پدید آمد.**

۴. هماهنگ کردن فعالیت‌های بخش دولتی و غیردولتی براساس نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور.

۵. تدوین و تصویب مفاهیم، تعاریف، مقررات، آیین‌نامه‌ها، قواعد و معیارهای اطلاع‌رسانی موردنیاز نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور.

۶. تنظیم مقررات مربوط به چگونگی بهره‌گیری از شبکه‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی و تصویب آن یا پیشنهاد تصویب به مراجع مربوط.

۷. ایجاد هماهنگی در تحقیقات بنیادی و توسعه‌ای و نیز سیاست‌های بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی.

در مواد ۶ و ۷ آیین‌نامه مذکور، به ترتیب چگونگی ایجاد دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی و تشکیل کمیسیون‌ها و کمیته‌های مختلف موردنیاز آن پیش‌بینی شده‌اند.

مطابق ماده ۸ آیین‌نامه وزارت پست و تلگراف و تلفن موظف است در چارچوب برنامه‌ها و سیاست‌های شورای عالی اطلاع‌رسانی، خدمات مخابراتی موردنیاز را در اختیار مراکز مورد تأیید شورای عالی قرار دهد. حدود نظارت‌های فنی برای همخوانی نظام‌های این مراکز با نظام‌های مخابراتی کشور توسط شوراها و عالی تعیین می‌شود.

این شورا با شورای عالی ارتباطات کشور، که تشکیل آن از سوی وزارت پست و تلگراف دنبال می‌شود، می‌تواند برای بازنگری این آیین‌نامه و تهیه مقررات قانونی جامع‌تری دربارهٔ چنین شورایی، مفید واقع شود.

به دنبال بررسی تحولات فوق، باید یادآوری کرد که عدم توجه به تأسیس شورای مطبوعات در ایران، به‌طور کلی از شرایط تاریخی محدودیت‌های آزادی مطبوعات و عدم استقلال روزنامه‌نگاران ناشی شده است و ایجاد نخستین شوراهاى مطبوعات کشورهاى توسعه یافته و در حال توسعه، در جوامعی همچون ممالک اسکاندیناوی در شمال اروپا و انگلستان و همچنین هند، که از پیش از سایر کشورها و یا پیش از آنها، از آزادی مطبوعات و استقلال روزنامه‌نگاری برخوردارند، نیز مؤید این امر است. وجود این شرایط باعث گردیده است که محققان و متخصصان دانشگاهی، روزنامه‌نگاری و حقوق ارتباطات هم از توجه به این نهاد مهم حافظ آزادی و استقلال مطبوعات باز بمانند و در طول چندین دهه فعالیت شوراهاى مطبوعاتی و رسانه‌ای و ارتباطی در جهان، به سبب عدم امکان تحقق آن در کشور، حتی توفیق ارائه مقاله‌ای در این زمینه را هم بدست نیاورند.

شاید، برای اولین بار، امکان بحث و بررسی و آن هم به صورت مختصر، دربارهٔ نقش مهم این شوراها در حمایت و حراست از آزادی و استقلال مطبوعات و اجرای اصول اخلاقی حرفهٔ روزنامه‌نگاری، در جریان برگزاری «نخستین سمینار بررسی مطبوعات ایران» در اسفندماه ۱۳۶۹، پدید آمد. در این سمینار، نگارنده فرصت یافت که ضمن ارائه مقاله‌ای در مورد «مبانی حقوقی استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران»^(۱) و بحث و بررسی راجع به «تشکیلات صنفی، مقررات شغلی، اصول شرافتی و نظام حرفه‌ای ... روزنامه‌نگاری»، ضرورت

تشکیل شورای مطبوعات را مورد تأکید قرار دهد.

اما پس از آن، مانند بسیاری از پیشنهادها و توصیه‌های سمینار مذکور به این امر توجهی صورت نگرفت. فقط در حدود سه سال بعد، فصلنامهٔ رسانه، در شمارهٔ ۴ سال چهارم آن که در زمستان سال ۱۳۷۲ انتشار یافت، مطلبی سه صفحه‌ای تحت عنوان «شورای مطبوعات نروژ: مرز بین نشریات و جامعه»^(۲) درج کرد، که ترجمه‌ای غیرتخصصی به‌نظر می‌رسید و تنها حدود دو ستون از صفحهٔ آخر آن اطلاعات مبهمی دربارهٔ این شورا در برداشت.

عدم توجه به ضرورت تأسیس و فعالیت شورای مطبوعات در ایران سبب شد که در جریان برگزاری «نخستین هم‌اندیشی اخلاق مطبوعاتی روزنامه‌نگار مسلمان» که از ۱۹ تا ۲۲ آذرماه ۱۳۷۵، از سوی «مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها» در تهران صورت گرفت، به موضوع تشکیل این شورا، که فلسفهٔ وجودی اصلی آن، حراست از اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری است، اعتنا نشود و در عرصهٔ مقالات این هم‌اندیشی و مباحثات و مذاکرات آن، نامی از این‌گونه شوراها نیز به میان نیاید. در حالی که در میان سه کمیسیون اصلی بحث‌ها و بررسی‌های تخصصی هم‌نشینی، که اولین آنها به «اصول بین‌المللی اخلاق روزنامه‌نگاری و بررسی آن از نظر اسلام» و دومین آنها به «عوامل و موانع شکل‌گیری و نهادینه شدن اخلاق روزنامه‌نگاری» اختصاص یافته بود، سومین کمیسیون هم‌نشینی، به «ضمانت اجرایی اخلاق روزنامه‌نگاری، بحث قانون، وجدان فردی و تشکل صنفی» تخصیص داده شده بود و بحث و بررسی دربارهٔ اهمیت و ضرورت تأسیس شورای مطبوعات برای تحقق ضمانت اجرای اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در آن اجتناب‌ناپذیر بود. مخصوصاً که یکی از

مقاله‌های دریافتی برای عرضه در این هم‌اندیشی، با عنوان «اخلاق رسانه‌ای در آلمان» نوشتهٔ دکتر شیرمحمد روان، که در آستانهٔ برگزاری آن در شمارهٔ پاییز ۱۳۷۵ مجلهٔ رسانه چاپ شده بود^(۳)، اطلاعات جالب توجهی راجع به شورای مطبوعات آلمان و اصول اخلاقی حرفه‌ای مصوب آن در برداشت و می‌توانست در مبحث مربوط به ضمانت اجرای اخلاق روزنامه‌نگاری مطرح شود. علاوه بر آن، بخشی از مطلب مربوط به «حقوق حرفه‌ای، مقررات صنفی و اصول اخلاقی»، با میان تیتراژ «شوراهاى مطبوعاتی رسانه‌ای»، که با اقتباس از کتاب «یک جهان و چندین صدا» (گزارش کمیسیون مک‌براید در مورد مسائل بین‌المللی ارتباطات) در شمارهٔ اخیر مجلهٔ رسانه، منتشر گردیده بود^(۴) نیز در صورت بحث و بررسی سومین کمیسیون هم‌نشینی یاد شده دربارهٔ شورای مطبوعات، قابل استفاده بود.

به‌هرحال، اکنون باید امیدوار بود که با تحکیم و توسعهٔ فعالیت‌های انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران و همکاری مؤسسان و مدیران مطبوعات و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هر چه زودتر مقدمات تأسیس شورای مطبوعات فراهم گردد و به این گونه، گام بسیار مهمی در راه تضمین آزادی و استقلال مطبوعات و حراست از اجرای اصول اخلاقی حرفهٔ روزنامه‌نگاری، برداشته شود. □

پی‌نویس‌ها:

1. Information.
2. The Information Science.

منابع:

۱. به یادداشت شمارهٔ ۱ مراجعه شود.
۲. «شورای مطبوعات نروژ: مرز بین نشریات و جامعه». رسانه، سال چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۷۲، صص ۱۰۴-۱۰۶.
۳. روان، دکتر شیرمحمد. «اخلاق رسانه‌ای در آلمان». رسانه، سال ۷، ش ۳، پاییز ۱۳۷۵، صص ۵۷-۶۲.
۴. «حقوق حرفه‌ای، مقررات صنفی و اصول اخلاقی». رسانه، سال هفتم، ش ۳، پاییز ۱۳۷۵، صص ۹۲-۹۵.